

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

## E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Mongol Empire

---

امپراتوری مغول که در ابتدا حکومت بزرگ مغول نام گذاری شده بود، امپراتوری بزرگی بود که طی قرن ۱۳ و ۱۴ وجود داشت و به مدت ۱۶۲ سال حکومت کرد. از آسیای میانه آغاز شد و سرانجام از اروپای شرقی به دریای ژاپن کشیده شده و قسمت عظیمی از سیبری را تحت پوشش قرار می داد و به سوی جنوب پیش رفته و جنوب شرقی آسیا، شبه قاره هند و خاورمیانه را شامل می شد. به همین دلیل است که به عنوان دومین امپراتوری بزرگ در تاریخ جهان شناخته می شود. مغول (به مغولی: مونگول) قومی از نژاد زرد است که سرزمین مادری آنان مغولستان می باشد. جمعیت کنونی مغولها حدود ۱۰ میلیون نفر است که بیشتر در مغولستان (۲/۷ میلیون)، چین (۵/۸ میلیون) و روسیه (۱ میلیون) زندگی می کنند. البته به دلیل جنگاوری و مهاجرت های آنان در سده های پیش، رد پای آنان به نقاط مختلف آسیا نظیر ایران و حتی شرق اروپا (به ویژه قفقاز شمالی) هم کشیده شده است. بیشتر مغولان پیرو آیین های بودایی تبتی و شمنیسم هستند و اقلیت هایی از آنان مسلمانان سنی مذهب و مسیحی هستند و به زبان مغولی تکلم می کنند.

امپراتوری مغول از وحدت قبایل مغول و تحت فرماندهی چنگیزخان به وجود آمد. چنگیز خان در سال ۱۲۰۶ به عنوان فرمانده کل مغولها معرفی شد. امپراتوری، تحت رهبری او و فرزندانش در همه جهات جغرافیایی به سرعت رشد کرد. تا دهه ۱۲۶۰، نوادگان چنگیزخان بر سر وراثت درگیر جنگ داخلی خانمان سوزی شدند و قلمروی سرزمینی را به چهار امپراتوری جداگانه تقسیم کردند. قوبلای خان در چین پادشاهی یوان را پایه گذاری کرد که از آن به عنوان دوران طلایی علم و فرهنگ یاد

می‌شود. ایلخانان در ایران به قدرت رسید و معماری جدید و نقاشی مینیاتوری پارسی را گسترش داد. در آسیای مرکزی خانات جغتای رهبرانی مانند تیمور را سرکار آورد و بازمانده او، بابر امپراتوری مغول را در هند برپا کرد. و در اروپای شرقی، اردوی زرین یا آلتین‌اردو سال‌ها حکمرانی کرد تا این که تجارت‌خانه‌ای نام موسکویی به قدرت جهانی بزرگی تبدیل شد. هرچند که این امپراتوری دوره کوتاهی در قدرت بود اما مغول‌ها میراثی به جا گذاشتند که تا امروز بی نظیر است و آخرین آن سلسله یوان بود. در قرن دوازدهم پیش از میلاد، قبل از تشکیل امپراتوری مغول، جلگه آسیای شرقی محل اقامت گروه‌های پراکنده ای از مغول‌ها بود و عشایر کوچ‌نشین ترک توسط خان‌ها هدایت می‌شدند. مردم گله‌های گوسفند، گاو، شتر و گاو میش داشتند. در چادرهای پشمی زندگی می‌کردند و بیلاق و قشلاق می‌کردند. زنان عشایر اقدار قابل توجه‌ای داشتند، مدیریت این مهاجرت‌ها، بسیاری از گله‌ها و تجارت با آنها بود. در همین حال، مردان متخصص در امور جنگی بودند.

زندگی در امپراتوری مغول فقط جنگ، غارت و ویرانی نبود. وقتی مغول‌ها سرزمینی را فتح می‌کردند، با سیاست داخلی آنها کاری نداشتند و از مدیران محلی برای حکومت کردن استفاده می‌کردند. مغول‌ها به ادیان اجازه شکوفایی می‌دادند، تا زمانی که رهبران برای آنها دعا می‌کردند. هرچند که صنعتگران، دانشمندان و مهندسان را مرتب اسیر می‌کردند، کارهایی که این متخصصان می‌کردند را تقدیر می‌کردند و به اجبار آنها را در سراسر آسیا مستقر می‌کردند تا کارشان را ادامه دهند. با ارزش‌ترین محصول در امپراتوری پارچه‌های ابریشمی زرباف بود، که ابریشم را از چین، طلا را از تبت و بافنده را از بغداد می‌آوردند. پارچه‌های ابریشمی زرباف لباس مغول‌ها و پوشش اسب‌هایشان بود و چادرهایشان را تزئین می‌کردند. مغول‌ها به‌ویژه تکنسین‌های باروت از چین را گرامی می‌داشتند. در اتحاد سیاسی با بخش بزرگی از اوراسیا، تجارت در امتداد جاده ابریشم رونق گرفت، به وسیله سیستم گسترده اسب‌های پیام‌رسان و ایستگاه‌های تقویت‌کننده. تجارت قوی خصوصا در ظروف چینی آبی و سفید از طریق دریا ادامه داشت، سفال‌های سفید از چین مغول را با رنگ آبی از ایران مغول ترکیب می‌کردند.

غذای مغول‌ها به طور عمده از فرآورده‌های لبنی مثل پنیر، ماست، کره، و کشک تکه‌یی، قوروت یا کوروت (*kurut*)، تشکیل می‌شد. نوشیدنی الکلی ملایم مغولی، کومیس (*kumis*)، را از شیر

مادیان درست می‌کردند و مصرف آن بیشتر وقت‌ها به افراط می‌کشید. گله‌های دام ارزشی بسیار زیاد و حتا حیاتی داشتند چون منبع تهیه شیر، پشم، و حتا سرگین برای سوخت محسوب می‌شدند، اما گوشت معمولن از راه شکار به دست می‌آمد، و میوه‌ها و سبزیجات خودرو را نیز از صحرا جمع‌آوری و خشک می‌کردند تا برای مدتی طولانی قابل مصرف باقی بمانند. برای آذوقه زمستان و تهیه گوشت برای جشن‌ها و مناسبت‌ها، به‌ویژه دوره‌می‌های بزرگ افراد قبیله، شکارهای مخصوص ترتیب داده می‌شد.

در دین مغول از متن‌های مقدس یا مراسم مخصوص خبری نبود و به جای آن ترکیبی از آنیمیسیم (جان‌دارانگاری و روح‌پرستی)، پرستش نیاکان، و شمن‌باوری وجود داشت. آتش، خاک، و آب، مکان‌های جغرافیایی پرهیت مثل کوهستان، و پدیده‌های طبیعی مثل توفان زنده و دارای روح تصور می‌شدند. شمن‌ها، که ممکن بود مرد یا زن باشند، دارای قدرت ارتباط با این ارواح، به ویژه در عالم خلسه، و سفر به دنیای آنان بودند.

زنان مغول از نظر تاریخی از وضعیتی نسبتاً بالاتر از زنان سایر فرهنگ‌های شرق آسیا برخوردار بوده‌اند. زنان در مغولستان نقش مهمی در زندگی خانوادگی و اقتصادی داشتند. برخی از زنان نخبه‌تر از زنان فقیر فرصت‌های بیشتری داشتند، با این حال سبک زندگی خواستار کار همه زنان بود. اما زنان در مغولستان نیز از انجام امور خانه مانند مراقبت از حیوانات، تولید محصولات لبنی خودداری می‌کردند. از طریق مشاغل خانگی خود، زنان در رده‌های نخبه جامعه توانستند نقش‌های خود را بیشتر به دست آورند تا قدرت قابل توجهی کسب کنند. هنگامی که امپراطوری مغول فروپاشید، زنان فقیر جامعه نتوانستند از هر نوع مراقبت مناسب یا هر فرصتی برای آموزش و اوقات فراغت برخوردار شوند. زنان عشایری در مغولستان به‌طور معمول وظیفه تهیه آب، پختن غذا برای اعضای خانواده، سالم نگه داشتن دام، جمع‌آوری چوب برای آتش، پرستاری و بزرگ کردن بچه‌ها، تهیه لباس و به‌طور کلی نگه داشتن کلیه امور خانگی را به ترتیب انجام می‌دهند.